

دنیای شگفت انگیز زیر آب

برندگان مسابقه عکاسی سالانه از زیر سطح اقیانوس ها، دریاچه ها، رودخانه ها و ... تصاویر خیره کننده ای را شکار کرده اند

پرونده

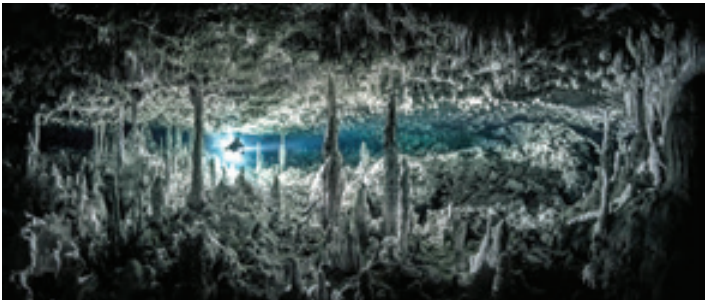
دنیای زیرآب و اتفاقاتی که آنجا می افتد، همیشه برای انسان ها مرموز بوده است. شاید به همین دلیل است که مسابقه عکاسی زیرآب در چند سال اخیر، مورد توجه افراد بیشتری قرار گرفته است و تعداد شرکت کنندگان آن هر سال افزایش می یابد. عکاسی از زیرآب یک مسابقه جهانی سالانه است که ساختمان اصلی برگزاری آن در انگلیس قرار دارد. شرکت کنندگان از سراسر جهان باید آثار خود را که شامل عکس هایی از زیر سطح اقیانوس ها، دریاچه ها، رودخانه ها و حتی استخرهای مصنوعی است، ارسال کنند تا با دیگر آثار به رقابت بپردازند. در مسابقات امسال، عکاس انگلیسی با ثبت تصویری از یک قورباغه در نزدیکی سطح آب، برنده جایزه و نفر اول این جشنواره شد. در پرونده امروز زندگی سلام، عکس های برگزیده این جشنواره را که همه شان از دنیای زیرآب هستند، خواهید دید.



وقتی قورباغه می خوابد

«مارک کیکلند»، عکاس انگلیسی با گرفتن این عکس خیره کننده موفق شد برنده این دوره از مسابقات سالانه عکاسی زیرآب شود. او این عکس را از دریاچه «مالز کلاسگو»، در اسکاتلند از یک قورباغه گرفته و این نام را برایش انتخاب کرده است: «وقتی قورباغه می خوابد»

اتاق خواب آبزیان



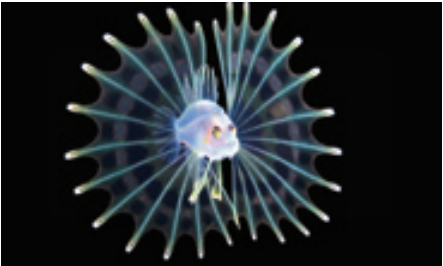
عکس گرفته شده توسط «کانتیه مانکی» آمریکایی، رقابت تنگاتنگی برای برنده شدن به عنوان نفر اول با عکسی که از قورباغه ای در زیرآب گرفته شده بود، داشت. این عکس که در توضیح آن نوشته شده: «اتاق خواب آبزیان»، از خلیج مکزیک گرفته شده است.

پنجره سقفی برای کوسه ها

گویی سه نما در این عکس ادغام شده اند: «دو کوسه در زیر دریا، در حالی که بالاتر از سطح آب، مرغان دریایی در زیر آسمان خوش رنگ شامگاه در حال پروازند. «رنه کاپوزولا» این عکس را از دریای «پلی نزیای» فرانسه گرفته و در توضیح آن نوشته: «پنجره سقفی کوسه ها»



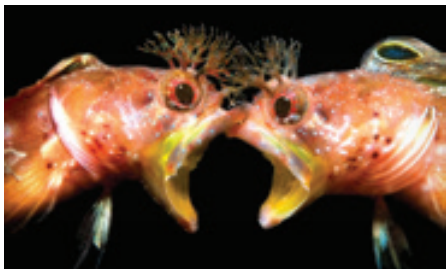
بال بال زدن ماهی



این عکس که توسط «استیون کوواکز» گرفته شده، نژادی کمیاب از ماهی های لارواست که تصاویر بسیار کمی از آن ها توسط عکاسان شکار شده است. او این عکس را در دریای نزدیک به روستای پالم بیچ در فلوریدا ثبت کرده است و در توضیح آن نوشته: «بال بال زدن ماهی!»

مشاجره آبزیان

عکسی جالب از دو ماهی که انگار در زیر آب با یکدیگر سر یک مسئله به تفاهم نرسیده و شروع به جروبحث کرده اند، از دیگر آثار برتر این جشنواره سالانه است. «ژانگ جینگ گونگ» از چین با ثبت این عکس از رودخانه مینابه در ژاپن، نوشته است: «مشاجره آبزیان».



صبحانه قو



این تصویر که در زمان طلوع خورشید گرفته شده و عکاس ساعت ها برای ثبت آن منتظر بوده، توسط «ایان وید» انگلیسی در پارک سنت جورج در یک استخر مصنوعی گرفته شده است. او در باره این عکس نوشته: «صبحانه قو؛ طلوع خورشید، غذا خوردن بی صدای قو در زیر آب»

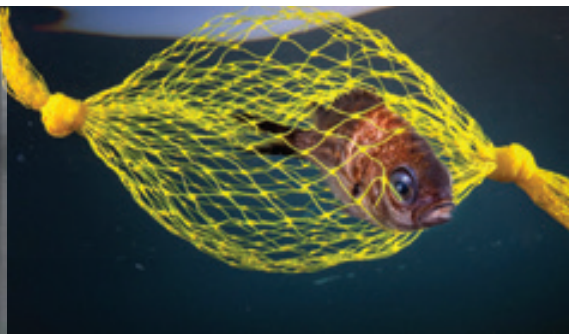
کشتی غول پیکر اما خسته



این عکس خیره کننده که عظمت کشتی غرق شده نسبت به یک غواص را نشان می دهد، جزو آثار برگزیده این دوره عکاسی از زیرآب قرار گرفته است. «توبیاس فریدریش» آلمانی این تصویر را در جزایر بومیی ثبت کرده و در باره اش نوشته است: «کشتی غول پیکر اما خسته»

گرفتار شدن آب نبات زرد

ناراحت کننده ترین عکس برگزیده جشنواره امسال هم از گیر افتادن یک ماهی در توری است که متأسفانه توسط انسان ها به داخل دریا راه یافته و برای یک ماهی در دسر ساز شده است. پاسکوال واسالوی ایتالیایی در توضیح این عکس نوشته است: «گرفتار شدن آب نبات زرد»



تفریحات یک هشت پا

بعضی ها تصور می کنند فقط ماهی ها، کوسه ها، دلفین ها و ... در زیر آب زندگی می کنند اما الکس تاتر سال به خلیج کیمریج در انگلیس رفته و این تصویر را از یک هشت پا گرفته تا نشان دهد که دنیای زیر آب، فقط مال ماهی ها نیست. او در توضیح این عکس نوشته: «تفریحات یک هشت پا»



ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

چهارشنبه • اول اردیبهشت ۱۴۰۰
۸ ريفشان ۱۴۴۲ • ۲۱ آوريل ۲۰۲۱
شماره ۳۰۶۴۱

۱۸۶۱

حتی دوست نداشتنم پول های

پیدا شده را بشمارم

گفت و گو با سلیمان رحمتی، کارگر شهر داری موسیان که با یافتن ۵۰۰ میلیون تومان پول و

جواهرات و تحویل دادن به صاحبش، آوازه پاکدستی اش خبر ساز شد

صادق جهانی | خبرنگار

خبر پاکدستی یکی از کارگران حمتکش شهر داری موسیان استان ایلام به تازگی در فضای مجازی پربازدید شده است. سلیمان رحمتی، راننده ۵۸ ساله خدمات شهری شهر داری حین انجام وظیفه با پیدا کردن یک کیف حاوی پول، جواهرات و کارت های بانکی به ارزش ۵۰۰ میلیون تومان و برگرداندن آن به صاحب سالخورده اش که از مهمانان شهرشان هم بود، در میان اهالی موسیان فراتر از سقیر پاکیزگی ظاهر شد و با وجود مشکلات اقتصادی فراوان و خودروی شخصی اش که ماه ها به علت تصادف در تعمیرگاه خاک می خورد و قادر به پرداخت هزینه تعمیرش نبود، رسم امانت داری را به جا آورد و حتی حاضر به قبول هدیه از صاحب کیف هم نشد. در مینی پرونده امروز بار حمتی گپی زدیم تا ماجرای پیدا کردن کیف را بر ایمان روایت کند.

کیف پر از طلا را در گوشه خیابان پیدا کردم



رحمتی ماجرای یافتن کیف مملو از پول و جواهرات را این طور روایت می کند: «۲۰ سال است در شهر مرزی موسیان به عنوان راننده خدمات شهری شهر داری مشغول کارم. یک روز تعطیل همراه عده ای از پاکبانان عزیز مشغول کار بودیم و من هم با خودروی زباله در حال رانندگی بودم که از آینه، چشمم به یک کیف در کنار خیابان افتاد. با خودم گفتم حتما داخلش چیزی هست، چون خیلی تمیز و نو بود. حتی یک نفر هم از آن جار دشتا ماتعجب کردم چطور متوجه کیف نشد؟ پایین آمدم و یک لحظه کیفر باز کردم

و دیدم حاوی مقداری پول و مدارک است. بعد با مسئول مان تماس گرفتم و قضیه را برایش تعریف کردم. گفتم می روم منزل و اگر کسی دنبال کیف می گشت، خبرم کنید. حین بازگشت به منزل داخل کیف را با دقت نگاه کردم که دو عدد کارت عابر بانک با رمز هایش، مقدار زیادی وجه نقد و همچنین طلا و جواهرات گران قیمت داشت. وارخانه که شدم دخترم گفت این کیف زبانه چیست؟ ما چرا که تعریف کردم، همسرم گفت بده تا امانت نگه دارم و شما هم صاحبش را پیدا کن، ما باید خودمان را جای صاحبش بگذاریم.»

گفتم میلیاردی هم که باشد، مال صاحبش است

«حتی دوست نداشتنم پول ها را بشمارم». رحمتی با این مقدمه از ثابت قدمی اش در امانت داری می گوید: «بالاخره پول است و آدم موقع شمارش و سوسه می شود. حتی همسرم طلاها را سریع جمع کرد و گفت یک جاپنهان شان می کنم تا صاحبش پیدا شود. به نظر من انسانی که برای خدا کار کند، دیگر سوسه نمی شود و روی تصمیم درست و صحیحش یافشاری می کند. هیچ وقت چنین فکری به سر اغم نیامد که پول ها را برای خودم بردارم. گفتم میلیاردی هم که باشد، مال صاحبش است. حتی فرزندانم هم چنین درخواستی نداشتند. پدر و مادری که عمل شان درست باشد، فرزندانشان هم همان راه را می روند.»

ارزش پول ها و جواهرات ۵۰۰ میلیون تومان بود

کارگر حمتکش شهر داری موسیان به نحوه پیدا کردن صاحب کیف طلا و جواهرات و بازگرداندن امانتی این طور اشاره می کند: «خودم تلفن همراه ساده ای دارم و به دوستان و همکاران سپردم تا در فضای مجازی اطلاعیه دهند که یک کیف پیدا شده و با دادن مشخصات تحویل بگیرند. با کسی هم درباره محتویات کیف صحبتی نکردم و فقط گفتم اطلاع دهید تا صاحبش پیدا شود. بعد از چند روز پسرم گفت انگار یک نفر در کانال تلگرامی «موسیان خبر» شماره تلفن داده است. تماس که گرفتم، مسئول اطلاع رسانی کانال گفت گویا این کیف متعلق به یک مسافر عرب است. زمانی هم که با مسافر تماس گرفتم با شنیدن خبر، شادی زیادی کردند. به منزل که آمدند همان اول کیف را نشان شان ندادم و از مشخصات و محتویاتش سوال کردم. بعد از دادن مشخصات صحیح، امانتی را تحویلشان دادم. صاحبش گفت پول نقد، جواهرات و موجودی کارت های عابر بانک مجموعاً ۵۰۰ میلیون است. در ضمن اهل شادگان خوزستان و مهمان شهر ما بودند. آن طور که بر ایم تعریف کردند یک سگ ها به یک نفرشان حمله کرده و زمانی که برای در مان به خانه بهداشت موسیان می آیند، صاحب کیف دستپاچه می شود و کیف از دستش می افتد. خوشحالم از این که توانستم دل مهمانان شهرمان را شاد کنم.»

مژدگانی صاحب کیف را قبول نکردیم

«صاحب امانتی اصرار داشت تا به خودم، همسر و فرزندانم مژدگانی و هدیه دهد اما هیچ کدام مان قبول نکردیم.» رحمتی با این مقدمه ادامه می دهد: «ما فقط به خاطر رضای خدا این کار را کردیم. صاحب پول که خانم سالمندی بود حتی از طلا و جواهرات هم تعارف مان کرد که ما قبول نکردیم. پیرزن از خوشحالی زیاد، اشک از چشمانش جاری شد و گفت این طلاها تمام سرمایه زندگی ام هست که از قدیم نگهداری شان می کنم. همسر مرا بوسید و گفت خدایا شکر تمام زندگی ام دست خانواده شریفی افتاد که حاضر نیستند حتی هدیه و مژدگانی قبول کنند. به آن مادر گفتم وظیفه دینی مان را انجام دادیم. خیلی خوشحالم که دل پیرزن را شاد کردم و خدا را شاکرم که توفیق داد رسم امانت داری را به جا آوریم.» رحمتی که آوازه پاکدستی اش در شهر پیچیده، در باره واکنش و باز خورد مسئولان شهرشان هم می گوید: «فرماندار، شهردار و بخشدار شهرمان از من تشکر و تقدیر کردند. شهردار مان، آقای رحیمی بسیار فرد خوبی است و حتی بنده خدایک کارت هدیه ۵۰۰ هزار تومانی به من اهدا کرد که همان راهم از جیب خودش هزینه کرده بود و اصلاً راضی به این کارش نبودم.»

تمام زندگیم یک ام یک پراید بود که واژگون شد

رحمتی صحبت هایش را این طور به پایان می رساند: «تمام زندگی ام، یک پراید بود که پسرم حدود سه ماه پیش با آن تصادف کرد و خودرو کاملاً واژگون شد. خدا را شکر که پسرم صدمه زیادی ندید. تمام درها، اتاقک، بدنه و جلوبندی پراید آسیب دید. حقیقتش چون بودجه زیادی نداشتیم، سه ماهی هست که خودرو در تعمیرگاه افتاده و ۲۵ میلیون هزینه تعمیرش می شود. از قطعه فروش قرض کردم تا بتوانم یواش یواش تعمیرش کنم تا زیر پای بچه ها باشد و بی وسیله نمانند. بعضی ها گفتند با این همه گرفتاری چرا پولی که پیدا کردی را تحویل صاحبش دادی و خرج مشکلات خودت نکردی؟ به آن ها گفتم این حرف ها چیست؟ مگر می شود مال مردم را برای خودم خرج کنم؟ خدا را شکر می کنم که با وجود تمام مشکلات امانت مردم را پس دادم. زمانی که می خواهم برای رضای خدا کار کنم اما وسوسه شوم، فکر نکنم دیگر مسلمان باشم. فقط خدا را شکر می کنم پسرم سالم است و انگار که دنیا را به من دادند. حقوقم هم ماهی سه میلیون تومان است اما هنوز عیدی پار سال و امسال مان را بر داخت نکرده اند. با این همه توکلم به خداست. خداوند هیچ گاه بندگانش را در سختی و فشار نمی گذارد.»

